

نفوذ نرم با سند ۲۰۳۰ یونسکو

مقدمه:

سند ۲۰۳۰ یک زمینه فراتری تحت عنوان «سند توسعه پایدار» دارد. اگر بخواهیم با این موضوع به طور خاص که زمینه گستردگی دارد آشنا شویم، در ابتدا باید یک نگاهی به موضوع سند توسعه پایدار بیاندازیم. در این سند با توطئه‌هایی مواجه هستیم. ما با تفکری مواجه هستیم که هر چیزی را در این زمینه به عنوان سند و شاهد ارائه دهید مورد تأیید قرار نمی‌گیرد و همه موارد را توهم و خیال می‌داند. در حال حاضر این موضوع یک گزاره حقیقی هست که با آن مواجه هستیم.

هدف اصلی در بحث سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی «موضوع تسلط بر جهان» می‌باشد. در این زمینه با یک نظام سلطه طرف حساب می‌باشیم و این نظام سلطه است که بر همه جهان تسلط پیدا می‌کند و از همه ابزارها و شیوه‌ها استفاده می‌کند. به عنوان مثال از طریق تسلط فرهنگی و هنری خیلی کارها انجام می‌شود مانند ترویج فرهنگ مادی‌گرایانه‌ی غرب، مثل بحث‌های فردگرایی و انسان‌گرایی به جای خداگرایی، سکولاریسم، فمینیسم و....

اگر در بحث‌های مبانی و تئوریک، بخواهید عینیت یافته موضوعات اومانیزم، سکولاریسم و... را ملاحظه کنید باید در سینمای هالیوود، در موضوعات راهبردی که در سند ۲۰۳۰ قرار دارد و همچنین در سایر اقدامات مختلف انجام شده توسط نظام سلطه جستجو کرد. در حقیقت تمام این ایسم‌ها اصول عقاید آنها می‌باشد. و این مباحث را در شیوه‌های مختلف بازتاب می‌دهند. یعنی اومانیزم، فمینیسم و ضدیت با دین را در تمام فیلم‌های خود به صورت مستند نشان می‌دهند. البته در این زمینه فقط فیلم نیست، مباحثی دیگر را می‌توان در برنامه‌ها، نمادها و مستندهای آنها یافت که جزء مبانی آنها می‌باشد. غرض آنکه تمام نمادها و نمودهای که در حوزه تبلیغات غرب صادر و ظاهر می‌شود نسبت مستقیمی با مبانی فکری و فرهنگی غرب دارد.

در این زمینه ما دارای بهترین مبانی دینی و اعتقادی هستیم. اگر در جنگ، مبانی اعتقادی رزمندگان درست نباشد نمی‌توان دفاع کرد. مبانی دینی موضوع مهمی می‌باشد و باید به گذشته برگردیم مخصوصاً نسل جوان پایه‌های اعتقادی و دینی شان مستحکم نیست و اگر تقویت شود تغییر پیدا نمی‌کند. بنابراین موضوع مبانی بحث مهمی می‌باشد و برای مقابله با آن به شیوه‌های مختلف می‌پردازند. ما در این حوزه‌ها همچنان مشکلات جدی داریم. مثلاً بحث توحید را در کدام یک از فیلم‌های جشنواره فجر می‌بینید. در این زمینه نظام اسلامی هزینه‌های زیادی را در جهت ترویج مبانی انجام می‌دهد اما به نظر می‌رسد که دستاوردهای ما می‌تواند و باید به مراتب بیشتر باشد.

تسلط بر جهان

قدرت‌های بزرگ برای رسیدن به منافع اقتصادی و مادی خود به دنبال تسلط بر جهان هستند. و این تسلط را از طریق شیوه‌های متعدد اعمال می‌کنند:

تسلط نظامی

نظام سلطه یکی از اصلی‌ترین ابزارهایش برای تسلط بر کشورها تسلط نظامی بوده است. قرن‌های گذشته و به ویژه قرن معاصر جنگ‌ها و تجاوزهای فراوانی را به خود دیده است. جنگ‌هایی که اغلب بانیان و مسببان آن قدرت‌های سلطه‌گر بوده‌اند. هنوز هم با ایجاد پایگاه‌های نظامی و قراردادهای سنگین تسلیحاتی در پی آنند که به اهداف خود دست یابند.

تسلط سیاسی

یکی از ابزارهای قدرت های بزرگ برای رسیدن به منافع خود تسلط سیاسی است. برای این موضوع از شیوه های گوناگون استفاده می کنند. یکی از اقدامات آنها برای تسلط بر کشورها و دولت های غیر همراه، سازمان های بین المللی است که به همین منظور بوجود آمده است. آنها از طریق قوانین، استانداردها یا کنوانسیون های بین المللی برای تسلط سیاسی خود استفاده می کنند. جالب اینجاست که تمام اجزای مختلف زندگی بشری دارای کنوانسیون های خاص هستند. و برای همین مقصود کنوانسیون های مختلف از قبیل حقوق بشر، زن، کودک، محیط زیست، فناوری های نوین و... بوجود آورده اند. چیزی وجود ندارد که برای آن استاندارد تعیین نشده باشد، تما مسئله این است که این استانداردها بر چه اساسی تنظیم شده است؟ براساس ارزش های ملت ها؟ خیر، براساس ارزش های که نظام سلطه قرار معین کرده طراحی شده است.

تسلط فرهنگی و نرم

امروزه یکی از ابزارهای کشورهای سلطه گر تسلط فرهنگی و بکارگیری شیوه های جنگ نرم است. یکی از این شیوه ها و راه های نفوذ در حاکمیت دولت ها و جوامع، ساختن واژه ها می باشد. اگر صادرات تکنولوژی در آنها وجود دارد، صادرات اصطلاحات هم دارند. و همه ما می دانیم در این زمینه کار می کنند. در همین بحث قدرت نرم و هوشمند که آن را در همه جا بکار می بریم نیامدیم خودمان واژه شناسی را براساس مبانی خود انجام دهیم. یکی از کارهای مقام معظم رهبری واژه سازی می باشد.

هدف قدرت های سلطه گر این است که بتوانند دین را از تمام جنبه های زندگی سلب و جدا کنند. با رواج انواع و اقسام اندیشه ها در موارد مختلف و برای کودکان، نوجوانان، جوانان، زنان، کارگران و دانشمندان در حال تلاش هستند. کاهش ازدواج، بالارفتن سن ازدواج، افزایش طلاق، بی فرزندی، کم فرزندی، تک فرزندی، کاهش باروری، جمعیت، خانواده دو نفری که در سند ۲۰۳۰ نیز به آن اشاره شده و همه از نتایج تهاجم فکری و فرهنگی است.

در عرصه بین المللی، برنامه نظام سلطه این است که با ایجاد کنوانسیون و طراحی برنامه های مختلف در صدد آن هستند که کشورها را تحت انقیاد خود درآورند. سند توسعه پایدار و دیگر اسناد بین المللی از جمله این روش ها می باشد. در مقابل توانسته اند اندیشه ای را رواج دهند که نتیجه آن شده است تسلیم شدن و پذیرش در مقابل دشمن و کوتاه آمدن از ارزش های دینی در اسناد بین المللی. با این توجیه که اگر می خواهیم منزوی نباشیم باید با اسناد بین المللی همراهی داشته باشیم و در این همراهی ها باید در یک جایی از مواضعمان کوتاه بیایم.

کنوانسیون ها و سازمان های بین المللی ابزاری برای سلطه

بعد از جنگ جهانی اول، جامعه ملل توسط کشورها تشکیل می شود. برای این که از جنگ جهانی جلوگیری شود. همان موقع می گویند می خواهید به اهدافی برسید کشورها را بین خودتان تقسیم کنید. لازم نیست جنگ صورت بگیرد. مبنای این رویکرد بوجود آمده در جامعه ملل نیز تقسیم بندی کشورهای قدرتمند و ضعیف شد. کشورهای ضعیف برای امضاء کردن عهدنامه های جهانی، خودشان باید به آنجا بروند و سهمی که در تصاحب بازارها از طریق قدرت های بزرگ قرار می گیرد بپذیرند. در این زمینه جنگ در برنامه اصلی قرار ندارد، بلکه از طریق سازمان های بین المللی باید بتوانند در ابعاد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حتی در بحث نظامی محدودیت هایی را برای دیگران به همراه داشته باشند و مقابل قدرت های سلطه گر به اهداف خود رسیده اند.

وقتی جنگ جهانی دوم رخ داد بعد از آن سازمان ملل به وجود می آید. سازمان ملل با ترکیب و برنامه هایی که دارد و طرح ریزی هایی که برای دویست سال آینده انجام داده است با انواع آژانس های گوناگون آماده نقش آفرینی برای خدمت به نظام سلطه می شود. آژانس هایی در زمینه هایی مختلف مانند کودکان، زنان، اقتصاد، نظامی و اتمی ایجاد می شود. در این آژانس ها تمام کشورها در

آن عضو می باشند و همه آنها در جهت تامین اهداف نظام سلطه مطابق با طراحی صورت گرفته اجرای مسئولیت می نمایند. هدف سلطه گران نیز این است که تفکر خودشان را بر جریان های جهانی تحمیل کنند.

آینده جهان توسط سازمان های بین المللی کنترل و مدیریت می شود. مثلاً بانک های ما تا در کنوانسیون های مربوط به مبارزه با پولشویی و امثال این موارد قرار نگیرد بانک های وابسته به نظام سلطه خدماتی را برای آنها انجام نمی دهند. یعنی با این قراردادها و قوانین بین المللی کشورها را در یک چارچوبی قرار می دهند که به این سمت بروند. مثال دیگر سازمان هواپیمایی ایکائو یا موضوع کشاورزی حتی بهداشت جهانی. آنها مواردی که ترویج می کنند دارای یک خط مقدم و ظاهر می باشد و دارای یک پشت صحنه می باشد. پشت صحنه همان اهداف توسعه طلبانه آنها هست.

بررسی تاریخچه سند ۲۰۳۰

نظام جهانی سلطه از سال های دهه ۱۹۸۰، یک موج جدید جهانی سازی تحمیلی را آغاز کرد که کارشناسان سیاسی شرق و غرب از جمله «امانوئل والرشتاین» و «دیوید هاروی»، آن را «موج جهانی سازی نئولیبرال» نامیده اند. از لوازم این موج، یکسان سازی هایی در حوزه های گوناگون است که پیش شرط آن نیز به صورت تقسیم کار تحمیلی در مقیاس جهانی تعریف شده، به این ترتیب که مثلاً برای برخی کشورها مشخص می کنند وظیفه خام فروشی معادن و منابع را به عهده بگیرند، برای بخشی دیگر، تهیه نیروی کار ارزان را معین می کنند تا شرکت های چندملیتی با استثمار آنها جیب خود را پر کنند و به همین ترتیب برای همه کشورها نقش خاصی را در پازل مورد نظر خود مشخص می کنند.

افزون بر تقسیم کار تحمیلی در حوزه اقتصاد و قرار دادن یا حفظ کشورهای پیرامونی در مدار وابستگی، شرط دیگر تحقق موج جهانی سازی نئولیبرال، «یکسان سازی فرهنگی» است که مسیرهای دستیابی متعددی دارد. یکی از این مسیرها، تسلط با سازوکارهای فنی شبکه جهانی اینترنت است که از طریق آن، نظام جهانی رسانه ای مدنظر خود را تحت عنوان فریبنده «جریان آزاد اطلاعات» ایجاد کرده اند که در عمل، الگو و سبک زندگی نئولیبرال مدرن را ترویج می کند. یکی دیگر از اقدامات صورت گرفته که دقیقاً در امتداد تقسیم کار اقتصادی تحمیلی و در راستای وابسته کردن کشورها به دولت های متروپل نظام جهانی سلطه به شمار می آید، «به دست گرفتن کنترل عملی نظام های آموزشی» کشورهاست.

برای تحقق این هدف در مدل جهانی سازی نئولیبرال که مبتنی بر استعمار فرا نو بوده و لزوماً بر پایه اشغال سرزمینی نیست، بهترین راه، استفاده از سازمان هایی نظیر یونیسف و یونسکو و دیگر نهادهای تابعه سازمان ملل است تا از این طریق، الگوهای محوری مدنظر قدرت های بزرگ را در کشورهای پیرامونی اجرایی و اعمال کرده و با گذراندن معاهده ها و مصوبه ها و مجبور کردن و ملزم نمودن کشورها به تبعیت از این مصوبات و قوانین، عملاً الگوهای فرهنگی و سبک زندگی خود را ترویج دهند که اولین نتیجه آن، تقویت تمام عیار وابستگی کشورهای هدف به نظام جهانی سلطه خواهد بود.

سند ۲۰۳۰ یونسکو، نمونه ای از این طراحی بزرگ است که ارگان های وابسته به نظام جهانی در سازمان ملل، در حوزه آموزش انجام می دهند و تحت عنوان جهانی و فراگیر کردن آموزش، الگوهای محوری مدنظر جهان بینی غربی در مفاهیمی همچون خانواده، نسبت بین دو جنس، برخی شئون سبک زندگی و محتوای آموزشی و تعلیمی را تعیین کرده و از طریق مصوبات قانونی، کشورهای دیگر را مجبور به اجرای آنها می کنند. وقتی کشوری به این روش های استعماری تن دهد، با گذشت دو الی چهار دهه از اجرای این آموزش ها، کنترل نظام آموزشی آن کشور از دست مسئولین ذی ربط به طور کامل خارج شده و هدایت آنها به دست ایدئولوگ ها و تئوریسین های نظام جهانی سلطه با ابزار سازمان هایی مانند یونسکو و یونیسف می افتد.

به عبارت دیگر، با اتخاذ این شیوه توسط کشورها استقلال فرهنگی آن‌ها به صورت کامل مخدوش شده و به این واسطه، سبک زندگی غربی در نظام‌های آموزش و پرورش جوامع تحت سلطه ترویج می‌یابد که با تأسف فراوان، این غفلت یا تغافل درباره سند ۲۰۳۰ یونسکو از سوی دستگاه‌های ذی‌ربط در کشورمان نیز صورت گرفت و اگر درایت و هوشیاری ساکنان دار انقلاب نبود، می‌رفت تا تبعات فاجعه‌باری برای نظام و انقلاب اسلامی به همراه آورد.

به این ترتیب، کشورهای استعمارگر فرا نو بی‌آنکه زحمت اشغال خاک کشورها را به خود بدهند، مقدرات یک کشور را از طریق آموزش نسلی وابسته و با تفکر مورد نظر نظام سلطه، در طول چند دهه در دست می‌گیرد و این همان حرکتی است که به موازات وابسته‌سازی در اقتصاد در جریان است. اما هدف از این حجم سنگین سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی چیست؟ هدف این است که تمام کشورها به نحوی تحت انقیاد و سلطه آن‌ها درآمده، از نظر فرهنگی تحمیق شده و سبک زندگی مورد نظر نظام سرمایه‌داری جهانی را ترویج نمایند تا همه آحاد این کشورها به تدریج به شهروندان سربه‌زیر نظام جهانی سلطه و افرادی تحمیق و تخدیر شده تبدیل شوند.

به تعبیر دیگر، منظور غرب از این برنامه‌ریزی خطرناک، بیگانه‌کردن افراد جوامع هدف از هویت اصیل و ریشه‌دار خود و هضم کردن آن‌ها در هاضمه نظام جهانی به منظور قوام بخشی کشورهای متروپل استکباری است. وقتی به محتوای این سند خفت‌بار می‌نگریم و نقشه نظام سلطه را از طریق اجرای آن در ایران اسلامی مرور می‌کنیم، درمی‌یابیم که عملاً کنترل بخش اصلی محتوای دروس کشورمان که برخاسته از مفاهیم کلیدی و برگرفته از هویت فرهنگی اسلام انقلابی در خصوص خانواده، حرمت محرم و نامحرم، سبک زندگی ایرانی - اسلامی است، هدف قرار گرفته و با اخذ امضاء و پیمان، بنا بود که وثیقه‌های اجرایی از کشور اخذ کنند تا در صورت استنکاف از اجرای این سیاست‌ها، اقدامات تنبیهی در نظر گرفته شود.

مغایرت‌های سند ۲۰۳۰ با قوانین اسلامی

سند ۲۰۳۰ هفده هدف دارد که شامل تمام ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی و دفاعی می‌شود. این سند در سال ۲۰۱۵ در اینچئون کره جنوبی تصویب شد. در بیانیه اینچئون کره جنوبی، بحث ۲۰۳۰ می‌باشد در سطح بین الملل که هدف چهارم می‌باشد سراغ اجرایی کردن و مبنایی شدن بقیه کارها می‌باشد. در چارچوب بیانیه سند آموزشی ۲۰۳۰ اینچئون کره جنوبی، وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی در کره جنوبی شرکت می‌کند. در آنجا روالی وجود دارد در سازمان‌های بین المللی و پیوستن به کنوانسیون‌ها که اجمائی هست رای نمی‌گیرند. بعد یک سنتی هست کشورهایی که حساسیت داشته باشند یک حق تحفظ هم می‌گیرند دو خط هم هست برای همه جا به کار می‌رود. با توجه به قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران در بعضی از مواد اجرایی، الزامی برای اجرا وجود ندارد.

در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ یک مرتبه سی تا کارگروه و کمیته در کشور تشکیل می‌شود. و مدتی بعد در شهریور ۱۳۹۵ آقای معاون اول این موضوع را در چهارالی پنج بند ابلاغ می‌کند. مفاد چارچوب سند ۲۰۳۰ به گونه‌ای است که بسیاری از موضوعات ما را مورد توجه قرار نداده و یک غفلت تاریخی کردند. در ماه نهم از آن سند رونمایی می‌شود یعنی در این مدت بسیاری از جاها خبر اجرایی شدن آن را مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی نداشتند. ملاحظه بفرمائید برنامه اجرایی و نظارتی تحقق کامل آموزش ۲۰۳۰ در سطوح ملی و استانی ابلاغ شده است. بعد آقایان می‌گویند که ما این طرح را اجرا نمی‌کنیم اگر هم اجرا شود در چارچوب ارزش‌های خود انجام می‌دهیم!

یونسکو به عنوان آژانس سازمان ملل زیر نظر صهیونیست‌ها می‌باشد. در این زمینه نظام سلطه چه نقشی دارد، نقش آن هماهنگی نظارت و گزارش دهی و ارتقای ظرفیت کارشناسی است. در سند آمده که دولت‌ها باید گزارش دهند و توصیه‌های فنی کارشناسان

یونسکو را بپذیرند. ما با این کارها داریم یک سند بین المللی را به یک سند داخلی الزام آور می کنیم. در حقیقت فرمان هدایت آن را به یونسکو می دهیم که در حال حاضر چه کارهایی را انجام دهیم. این موضوع کاملاً یک نوع نقض حاکمیت ملی در عرصه آموزشی، فرهنگی، علمی و پژوهشی ما را از پیش دبستانی تا نظام عالی خودش در بر می گیرد که به محتوای آن نزدیک می شویم.

نکته دیگر اینکه در سند ۲۰۳۰ فقط بحث آموزش در مدارس نیست بلکه تمام عرصه های دیگر که به نوعی به آموزش مرتبط می باشد را تحت الشعاع خود قرار می گیرد. آموزش در اشتغال و مهارتها، نظام سلامت و بهداشت و غیره را تحت الشعاع خودش قرار می دهد. واقعاً یونسکو با هوشمندی این کارها را انجام می دهد. یعنی وقتی در این عرصه قرار گرفتید و پذیرفتید که جلو بروید مثل تارهای عنکبوت می شود که درگیر هستید و نمی توانید خارج شوید و بعد هم افزا هستند یعنی اگر محیط زیست چیزی را می آورد سبب می شود آموزش های شهروندی و اجتماعی را تحت الشعاع خود قرار می دهد.

دست یابی به حقوق شهروندی، هدف آموزش سند ۲۰۳۰ است. هدف تربیت افرادی است که در تراز شهروند جهانی باشند. جالب اینجاست که غربی ها از یکسو ادعا می کنند که برای هضم نشدن فرهنگ ها در دیگر نظام های فرهنگی و هویتی، باید تکثرگرایی و پلورالیسم را پذیرفت، ولی در سند ۲۰۳۰ سعی می کنند در عمل تفاوت ها را هضم کنند و همه شهروندان را تحت یک نظام فکری و فرهنگی آموزش دهند. این ها در سند ۲۰۳۰ می خواهند در جوامعی مانند جامعه اسلامی ما، ارزش هایی چون حجاب، عفاف، حیا و ... را به کناری بگذارند و خود افراد جامعه ما اولین مدعیان برچیده شدن سیستم ها و مفاهیم فرهنگی و ارزشی بشوند. در واقع اتفاقی که می افتد این است که نظام سلطه از طریق یونسکو و اسنادی مانند ۲۰۳۰ می خواهد شهروندانی تابع تربیت کند. این در حالی است که اگر توافق نامه هایی که تعهد آور باشد باید در مجلس تصویب شود.

بر اساس سند ۲۰۳۰ رعایت این گونه مسائل از نظر محتوا در تمام سطوح از پیش دبستانی تا آموزش عالی را در بر می گیرد و عدم رعایت آنها از نظر یونسکو دارای اشکال می باشد و شما ملزم هستید مفهیمی که در کتاب درسی است بازنگری کنید، حتی آن را اصلاح کنید و بر اساس همین اصلاحات باید به آنها گزارش بدهید. در بخشی از نامه معاون اول محترم آمده که باید گزارش تهیه کنیم به کمیسیون ملی ارجاع دهیم. ابزارهایی که برای یونسکو وجود دارد حاکمیت بر کل نظام آموزشی کشورها از جمله کشور ما را تضمین کرده و قول داده ایم این کار را انجام دهیم. همه اسناد، برنامه ها و قوانین ما باید تابع سند ۲۰۳۰ باشد. ماهیت سند چند وجه دارد یعنی در مقدمه سند ماهیت چند وجهی مانند ملی، منطقه ای و کشوری را در خود دارد. هدف از این ماهیت همسویی با دستور کار جهانی می باشد. این یک واقعیت است که سیاست، شاخص، نظارت و محتوایی بودن سند در هم راستایی با جهانی می باشد که توسط گروه مشاوران پیشنهاد می شود. هدایت، نظارت و ارزیابی این مسائل جزء حاکمیت ملی می باشد.

ترویج آموزش های دو زبانه یکی از مسائلی که تاکید می شود یعنی هر کسی در هر کجایی متولد می شود همان زبان مادری خودش را باید آموزش دهد. شما می گوئید چیز خوبی است لرها با گویش زبان لری صحبت کنند و آذری ها با زبان ترکی و ... اما در قانون اساسی آمده زبان آموزش رسمی باید فارسی باشد اما متأسفانه این موضوع را ندیدند. هر کسی با اندک آشنایی قانون اساسی می تواند این اشکالات را برطرف کند.

بحث محتوا، مهارت ها و ارزش ها در کتاب های درسی باید بازبینی شود. یعنی بابت کتب درسی ما یک سازمان به نام سازمان تالیف و تدوین کتب درسی داریم اما نظام درسی ما باید تماماً تابع سند ۲۰۳۰ باشد و از این طریق کتاب های ما را تأیید کنند. چند سال پیش در دوران مبارک در مصر بعضی از آیاتی که مربوط به یهود بود را در قرآن و کتاب های درسی حذف کردند. بر این اساس اگر آنها خواستند باید کتاب هایی که در مورد جهاد هست را حذف کنیم. باید یک قرآن جدید بیاوریم که در آن جهاد و یهود نباشد. یک قرآن جمع و جور که هیچ چیزی در داخل آن نیاید و آموزش ها را تحت تاثیر قرار ندهد!

ما نمی خواهیم بگوییم که در داخل مسئولین می خواهند چنین کارهایی را انجام می دهند. وقتی شما خاکریز را برداشتید یعنی این خاکریز یک گوشه ایی از آن کم شود و پایین تر بیاید دارای منفذ نفوذ می باشد. این اختیار را دارند که وقتی خواستند برنامه درسی تنظیم کنند ساعت آن را جابجا کنند. اما وقتی این کارها در مدارس غیر دولتی می آید از چارچوب شما خارج می شود. در بعضی مدارس غیردولتی بعضی از مهدکودک ها، پیش دبستانی ها آموزش های جنسی را شروع کرده اند. پس چارچوبی برای محتوای درسی در سند ۲۰۳۰ وجود دارد که اصلاح نظام آموزشی را هدف قرار داده است.

در سند ۲۰۳۰ تاکید شده که عدم تبعیض را باید داشته باشیم، تساوی جنسیتی را باید داشته باشیم، حقوق بشر را باید براساس چیزی که ما می گوییم آموزش داد. صحبت از برابری جنسیتی است که کاملا مغایرت با اهداف دینی و قرآنی ما می باشد. حالا اگر ما بگوییم عدالت جنسیتی منظورمان هست آن از شما برابری جنسیتی می خواهد یعنی واژه ها معنای خودشان را دارند شما نمی توانید بگویید این طوری منظورم هست.

متأسفانه کارهایی در بعضی از کتاب های درسی آمده که قبح رابطه پسر یا دختر را برداشتند. با همان روش های آموزشی آمدند به بچه های کوچک یاد می دهند. وقتی می خواهید دوست پیدا کنید فلش کشیدند. یعنی پسر بچه را به دختر بچه و برعکس می رسانند. اگر می خواهیم نسبت به بعضی از حساسیت ها مانند مبانی دینی و ملی خودمان را رعایت کنیم باید این مسائل از سنین پایین شروع شود، بزرگتر که می شوند طور دیگری تربیت می شوند.

مقام معظم رهبری فرموده بودند که آرزوی ما بوده که در بعضی از مسائل از جمله در آموزش و پرورش یک سند تحول بنیادین را داشته باشیم که این موضوع به شورای عالی تحول فرهنگی رسید. مقام معظم رهبری می فرمایند هر وضعی که پیش می آید این سند ملی و بومی تحول باید اجرا شود. اما ما آن وقت برویم سراغ اجرای اسنادی که غربی ها برای ما نوشته اند.

متأسفانه این بحث یک مقداری حادث می شود. آموزش های جنسی از لایه های مختلفی تشکیل می شود. بعضی از این ها را که به کودکان آموزش می دهند می گویند ما باید به کودکان آموزش دهیم که مورد خشونت جنسی قرار نگیرند. در غرب خشونت جنسی در کانون خانواده ها بیش از هشتاد درصد توسط افراد نزدیک صورت می گیرد. این ها به کودکان آموزش می دهند. یک مقدار که جلوتر می روند تفاوت جنسیتی دختر و پسر را در کلاس های غربی را به طور کامل آموزش می دهند. در آن زمان ایرانی هایی که در غرب حضور داشتند از این کلاس ها انتقاد می کردند، آنها به ما می گفتند چون شماها دارای مسائل ارزش های دینی هستید می توانید در این جلسات حضور پیدا نکنید!

برای آنها مهم نیست فیلم هایی که در این زمینه نمایش می دهند در مورد چه مسائلی باشد. از نظر اخلاقی هر چه جلوتر می آیند آموزش های دیگری به بزرگسالان می دهند و این که روابط آنها چگونه باشد مهم نیست. ممکن است یک بخش هایی از آن آموزش ها حالت پیشگیرانه داشته باشد، اما اکثریت بامبانی فرهنگی خودشان قابل توجیه است در حالیکه همان ها دقیقاً برخلاف مبانی ما می باشد. سکولاریستی کردن نظام آموزشی کاملاً در سند ۲۰۳۰ حاکم می باشد، یعنی باید سکولار باشی و جهت دهی و جهت گیری خاصی در مباحث دینی نداشته باشیم.

ممانعت از ازدواج دختران به بهانه آموزش از دیگر موضوعاتی است که در سند ۲۰۳۰ آمده است. این که ما می گوییم ازدواج های زودهنگام در سنین پایین ممنوع است در قانون ما هم وجود دارد. اما ما باید مطابق با استانداردهای آنها عمل کنیم و به یونسکو نیز گزارش بدهیم که چگونه در این زمینه عمل کرده ایم. اول ممکن است بگویند داوطلبانه گزارش دهید و بعد مدتی این داوطلبانه گزارش دادن را الزامی می کنند. و اگر انجام ندادیم، محکومیت های فراوانی را به دنبال خواهد داشت. و این موضوعات برخلاف اصول متعدد قانون اساسی است. واقعا مقام معظم رهبری را ببینید با چه حساسیتی این مباحث را مطرح می کند که نظام سلطه بین

المللی برای تربیت نسل ما برنامه دارد. این در حالی است که ما الان در کشور هیچ نیازی به سند بین المللی برای آموزش حتی مسائل تربیتی نداریم.

جمع بندی

ممکن است بگویند منتقدان ۲۰۳۰ مخالف با تعامل بین المللی کشور هستند و می خواهند ایران منزوی باشد. واقعا جمهوری اسلامی دنبال تعامل فعال و نه منفعل هستند. وقتی که این سندها نوشته می شود حضور فعال نداریم به همین خاطر که آموزه هایی که می آید برخلاف مواضع اصولی ما می باشد. اگر نقطه ضعف داشته باشیم تبدیل به تهدید می شود. نقطه ضعف ما این است که در مجامع فعال نیستیم. کارشناسان زبده ما حضور ندارند و در حقیقت این موضوعات را به عنوان یک مسئله عادی تلقی می کنیم؛ یعنی فکر نمی کنیم برای ما توطئه و برنامه دارند می گوئیم توهم می باشد. وقتی که توهم در کار باشد، نماینده ما هم اگر حضور پیدا کند حساسیت ها را ندارد بعد می گوید با حق تنفذ یک سند را قبول کرده ایم. بعد می بینید که لایه های بعدی کار خود را انجام می دهند. بنابراین با یک شیوه سلطه و حاکمیت جدید مواجه هستیم. بر اساس آن از طریق سازمان های جهانی، اسناد و استانداردهای بین المللی موضوعی را دیکته می کنند و شما آرام آرام به سمت پذیرش آنها می روید مانند نظام بانکی، ورزشی و آموزشی.

نکته مهم این است که جمهوری اسلامی باید به صورت فعال برخورد کند. در جریان هستید که بعد از اظهار نظر مقام معظم رهبری در دیدار با معلمان ما اعلام کردیم که سند ۲۰۳۰ از ماه آذر در دستور کار شورای عالی فرهنگی قرار گرفته بود. وقتی قرار شد به بررسی آن پردازیم، به انتخابات ریاست جمهوری برخورد کردیم و جلسات تشکیل نشد که تصمیم گیری قاطع برای نحوه برخورد با آن داشته باشیم. بعدا رهبر انقلاب در ابلاغیه ایی که به معاون اول داشتند نوشتند که سند ۲۰۳۰ متوقف شود. در این خصوص وزارت امور خارجه و وزارت علوم فراموش کردند که ساختار اجرایی کردن آن در آموزش و پرورش نیز باید متوقف شود.

ان شاء الله در اولین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی نسبت به توقف سند ۲۰۳۰ که هنوز از مدار خارج نشده و متاسفانه هنوز ابلاغیه معاون اول وجود دارد تصمیم گیری خواهیم کرد. این تهدیدی که از ناحیه سند ۲۰۳۰ بوجود آورده، برای ما فرصتی شده تا اسناد ملی در بعد داخلی که خیلی هم پیشرفته است آماده اجرا شود. و نیز باید دید چه اتفاقی افتاده که سند تحول آموزش و پرورش که چهار الی پنج سال از تصویب و ابلاغ آن می گذرد هنوز عزم جدی برای اجرای آن در بدنه دولت وجود ندارد.